

## سوره بیست و یکم - انبیاء

این سوره در مکه نازل شده و ۱۱۲ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

وقت حساب دادن مردمان نزدیک شد (ولی) آنها در بی‌خبری، از آن روی برتافته‌اند! هیچ پند تازه‌ای از جانب پروردگارشان به آنان نیامد مگر آن که شنیدند و به بازی گرفتند! دل‌هایشان مشغول است. و آن کسان که ستم کردند به راز با هم گویند مگر او (محمد) مثل شما بشری نیست آیا با چشم باز به سوی سحر می‌روید؟ (پیامبر) گفت پروردگار من هر گفتاری را در آسمان و زمین می‌داند و او شنوای دانا است! بلکه گفتند (مطلب قرآن) خواب‌های پریشان است که او (محمد) آن را بافته است. او شاعر است و گرنه می‌باید معجزه و آیتی بر ما بیاورد چنان که پیشینیان با آن فرستاده شده‌اند. (۱ - ۵)

اهل هیچ شهری، که پیش از ایشان هلاک ساختیم، ایمان نیاوردند پس آیا این‌ها ایمان خواهند آورد؟ نفرستادیم پیش از تو مردانی مگر آن که به آنان وحی کردیم. اگر نمی‌دانید از دانشمندان و اهل ذکر بپرسید و آنها را جسدی قرار ندادیم که طعام نخورند و در دنیا هم جاودانی نبودند. سپس به وعده‌هایی که به آنها دادیم وفا کردیم و آنان را با آن کس که خواستیم نجات دادیم و اسراف‌کنندگان را هلاک ساختیم! همانا برای شما کتابی فرود آوردیم که در آن شرف و آوازه شما است پس چرا نمی‌اندیشید؟! (۶ - ۱۰)

چه بسیار قریه‌هایی را، که مردمش ستمگار بودند، در هم شکستیم و پس از آنها قوم دیگری بیافریدیم! آنها وقتی عذاب ما را احساس کردند آنگاه از آن گریزان شدند! (گفته شد) مگر یزید و به سوی آن چه در آن هوسرانی می‌کردید و به سوی خانه‌هایتان باز گردید، شاید که مورد پرشش قرار گیرید! گفتند ای‌وای بر ما که ستمگران بودیم! گفتارشان همواره این بود تا آنگاه که چون علف درو شده بی‌جانسان ساختیم! (۱۱ - ۱۵)

ما آسمان و زمین و آن چه در میان آنها است به بازی نیافریدیم. اگر می‌خواستیم وسیله سرگرمی برای خود قرار دهیم هرآینه آن را از جانب خویش می‌گرفتیم! چنین نیست بلکه حق را باطل پیروزی می‌دهیم تا آن را در هم شکنند که آن هلاک شونده است! وای بر شما از این که خدا را به وصف کار باطل متصف می‌دارید! هر که در آسمان‌ها و زمین است متعلق بدو است و آنان که در پیشگاه اویند از پرستیدن وی سر باز نمی‌زنند و هرگز خسته و مانده نمی‌گردند شب و روز بر وی تسبیح می‌گویند و سستی نمی‌نمایند. (۱۶ - ۲۰)

آیا خدایانی که آنها در زمین برگزیده‌اند می‌توانند مردگان را برانگیزانند؟! اگر در آسمان و زمین غیر از او خدائی بود بی‌شک هر دو تباه می‌شدند پس پروردگار عرش پاک و منزله از هر وصفی است که مشرکان بدان توصیفش می‌کنند! او از آن چه انجام می‌دهد بازخواست نشود این آنهایند که از اعمال و افعالشان بازخواست می‌گردد! چرا غیر از او معبودان دیگری می‌گیرند بگو دلالتان را بیاورید. این ذکر خدا یکتا سخن من و سخن انبیای پیش از من است اما بیشتر آنان حقایق را نمی‌دانند و اعراض می‌نمایند! پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آن که بدو وحی کردیم که جز من معبودی نیست و به من پرستش کنید! (۲۱ - ۲۵)

و گفتند خداوند برای خویش فرزندی گرفته است. او منزله از این کار است بلکه (انهائی که مورد لطف پروردگارند) بندگان گرامی خدا هستند! در گفتار بر او سبقت نگیرند و طبق دستور او عمل می‌نمایند. او آن چه را که پیش رو و پشت سر آنها است می‌داند و آنان جز

بر کسی که خدا راضی و خشنود باشد، شفاعت ننمایند و از بیم عذاب خدا ترسانند! هر کس از آنها بگوید من معبودی جز او هستم به دوزخ جزایش دهیم و ما ستمگاران را اینچنین کیفر می‌دهیم! (۲۶ - ۲۹)

مگر کافران نمی‌بینند که آسمان‌ها و زمین بسته بودند ما آنها را باز کردیم و هر موجود زنده را از آب آفریدیم. آیا آنها ایمان نمی‌آورند! در روی زمین کوه‌های بلندی ایجاد کردیم تا آنان را نجبناند و در آن راه‌های فراخ منظور نمودیم شاید که آنها هدایت یابند، و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم ولی این کافران از آن آیات روی برمی‌تابند! خدا است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که جملگی در فلکی شناورند! (۳۰ - ۳۳)

پیش از تو به هیچکس عمر ابدی ندادیم. آیا اگر تو بمیری آنها جاویدان می‌مانند؟! همه کس مرگ را خواهد چشید و ما شما را با شرّ و خیر می‌آزمایم از مودنی. و شما به سوی ما بازگردانده می‌شوید! هنگامی که کافران تو را ببینند به استهزاء گویند آیا این است آن کسی که از معبودان شما به بدی یاد می‌کند؟ آنها خودشان به ذکر خدای بخشنده‌شان کافراند! (۳۴ - ۳۶)

انسان از شتاب آفریده شده<sup>۱</sup> و من به زودی آیات خود را به شما بنمایانم پس شتاب ننمائید! می‌گویند اگر راست می‌گوئی این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟! اگر آنها که کافر شدند بدانند وقتی که آتش دوزخ هر طرف از پیش رو و پشت سر آنها احاطه می‌کند که نه خود دفع آن توانند کرد و نه کسی یاری آنها کند بلکه عذاب دفعتاً بر آنان درآید و مبهوتشان گرداند که نه دفع آن توانند و نه مهلتی یابند! پیش از تو نیز پیامبرانی را به استهزاء گرفتند پس آن چه که آنها آنان را بدان مسخره کردند خود آنها را فرا گرفت! (۳۷ - ۴۱)

بگو کیست که شما را به شب و روز از (عذاب) خدای رحمن نگاه می‌دارد؟ ولی آنها از یاد پروردگارشان روی گردانند! آیا غیر از ما خدائی دارند که آنها را کفایت نمایند؟ در صورتی که آنان نه خود یاری کردن خویش را توانند و نه از سوی ما همراهی می‌شوند! بلکه مائیم که خود این‌ها و پدرانیشان را به نعمت‌ها بهره‌مند ساختیم تا عمرشان دراز شد. آیا نمی‌بینید که مائیم که زمین را از اطرافش کم می‌کنیم. پس آیا آنها می‌توانند (بر ما) غالب آیند؟! (۴۲ - ۴۴)

بگو من شما را به وحی از (عذاب) می‌ترسانم ولی کران، دعوت آنها را در آن هنگام که بیم داده می‌شوند، نمی‌شنوند! و اگر نسیمی از بوی عذاب پروردگارت به آنها برسد گویند ای‌وای بر ما که ستمگاران بوده‌ایم! ما روز قیامت ترازوهای عدل می‌نهیم به هیچکس کوچکترین ظلمی نمی‌شود و عمل آنها را، اگر چه هم وزن یک دانه خردل (هم) باشد، به حساب می‌آوریم و کافی است بر ما که حساب رسیم! (۴۵ - ۴۷)

و همانا بر موسی و هارون فرقان را دادیم که روشنی‌بخش دل‌ها و پندی بر پرهیزگاران است. آن کسانی که در نهان از پروردگارشان بیم دارند و از روز قیامت هراسان می‌باشند! و این (قرآن) کتاب با برکتی است که ما آن را نازل کرده‌ایم. آیا شما آن را انکار می‌نمائید؟! (۴۸ - ۵۰)

ما از پیش به ابراهیم رشد دادیم و به شایستگی او دانا بودیم. وقتی به پدر و طایفه‌اش ۱. کافران گفتند اگر این محمدص بمیرد راحت می‌شویم. خدا فرمود به هیچکس عمر ابدی نداده ایم اگر تو بمیری آیا آنها جاویدان خواهند ماند؟! ۲. این کلام که انسان از شتاب آفریده شده بر سبیل مثال مثل این که عرب گوید فلانی از غضب یا جود آفریده شده است.

گفت این هیکل‌ها چیست که شما به پرستش آنها ایستاده‌اید؟ گفتند ما پدران خود را پرستندگان آنها یافته‌ایم. گفت بی‌شک شما و پدرانتان در گمراهی آشکار هستید! گفتند آیا تو به حق به سوی ما آمده‌ای یا با ما شوخی می‌کنی؟ گفت (نه!) بلکه خدای شما پروردگار آسمان‌ها و زمین است که آنها را آفریده است و من بر این واقعیت شهادت می‌دهم. و سوگند به خدا، پس از آن که شما به راه بیفتید و (برای انجام مراسم عید) بروید من چاره‌ای بر این بت‌ها می‌سازم! (انها رفتند) او همه بت‌ها را قطعه قطعه کرد مگر بزرگشان را، که شاید در مقام شکایت بدو باز گردند. (۵۱ - ۵۸)

گفتند چه کسی این کار را با خدایان ما کرده است به یقین که از ستمگران بوده است! گفتند جوان ابراهیم نامی را شنیدیم که از آنها به بدی یاد می‌کرد! گفتند او را به حضور مردم بیاورید باشد که آنها گواهی دهند! گفتند ای ابراهیم! آیا تو با معبودان ما چنین کردی؟ گفت بلکه این کار را بزرگشان کرده است از خودشان بپرسید اگر سخن گفتن می‌توانند! (۵۹ - ۶۳)

آنها به خود آمدند و به همدیگر گفتند همانا شما خود ستمگرانید! پس سر به زیر انداختند و گفتند یقیناً می‌دانی که این‌ها سخن نتوانند بگویند! گفت پس چرا غیر از خدا چیزی را می‌پرستید که هیچ سودی به شما ندارد و گزندی نیز نرساند! آف بر شما و بر آن چه جز خدا می‌پرستید. چرا هیچ نمی‌اندیشید! گفتند اگر خواهید در راه خدایان کاری انجام دهید او را بسوزانید و معبودان خویش را یاری نمائید! (۶۴ - ۶۸)

گفتیم ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش! خواستند درباره او مکاری نمایند ولی ما زیانکارانشان کردیم! او و لوط را به سرزمینی که جهانیان را برکت دادیم نجات بخشیدیم! و اسحق و یعقوب را که نواده بود، بدو عطا کردیم و همرا از نیکان قرار دادیم و آنها را پیشوایان مردم ساختیم که به دستور ما آنان را هدایت نمایند. و انجام کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنها وحی کردیم. و آنها پرستندگان ما بودند! (۶۹ - ۷۳) و به لوط حکمت و دانش دادیم و او را از شهری که مردمش کارهای پلید می‌کردند نجات بخشیدیم زیرا آنها جماعتی بد و تبه‌کار بودند! و لوط را در حیطة رحمت خویش درآوردیم زیرا او از نیکان بود! (۷۴ - ۷۵)

و احوال نوح را به یاد آن دم که از پیش ندا داد. ندایش را اجابت کردیم و او و کسانش را از بلای سخت رها ساختیم! و او را بر گروهی که آیات ما را تکذیب می‌کردند یاری دادیم که آنها گروه بدی بودند و جملگی را غرق نمودیم! (۷۶ - ۷۷)

و یاد کن احوال داوود و سلیمان را در آن موقع که در مورد کشتزار، که گوسفندان قوم (شبانه) در آن چریده بودند، داوری کردند و ما شاهد داوری آنها بودیم! پس آن را به سلیمان فهماندیم و هر یک را حکمت و دانش دادیم و کوه‌ها را مسخر داوود ساختیم که تسبیح می‌گفتند و نیز مرغان را. و ما پدیدآورنده این (این معجزات) بودیم! و بدو صنعت زره ساختن برای شما آموختیم تا شما را (در جنگ) از گزند نگه دارد. با این همه آیا شما سیاست‌گزارید؟! و باد سرکش را مطیع سلیمان نمودیم که به فرمان او به سوی سرزمینی روان شود که در آن برکت نهادیم و ما به همه چیز دانا بودیم! و برخی از دیوها را مطیع او کردیم که برای وی غواصی و کارهای دیگر می‌کردند و ما نگهدار آنان (در اطاعت سلیمان) بودیم! (۷۸ - ۸۲)

یاد کن ایوب را در آن هنگام که پروردگارش را برخواند که مرا محنتی رسیده و تو مهربان‌ترین رحم‌کنندگانی! پس دعای او را پذیرفتیم و آن چه از محنت بر وی بود برطرف

ساختیم و کسانش را بدو باز دادیم و همانند آنها را با آنها، تا رحمتی از جانب ما و پنداری برای خداپرستان باشد! (۸۳ - ۸۴)

و اسماعیل و ادريس و نوالکفل همه از صابران بودند! و آنها را در حیطه رحمت خویش درآوردیم که آنها از نیکان بودند. (۸۵ - ۸۶)

و ذوالفنون را یاد کن آن دم که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و پنداشت که ما هرگز بر او تنگ نخواهیم گرفت. پس در ظلمات (در شکم ماهی که گرفتار آمده بود) ندا در داد و گفت خدایا! جز تو معبودی نیست. پاکی تو را است و من از ستمگاران بودم! پس دعایش را اجابت کردیم و از غم نجاتش دادیم و بدین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم. (۸۷ - ۸۸)

و یاد کن از زکریا، زمانی که پروردگارش را برخواند و گفت خدایا مرا تنها وامگذار و تو بهترین وارثان هستی! دعایش را پذیرفتیم و یحیی را بدو عطا نمودیم و زنتش را برایش شایسته کردیم که آنها در کارهای خیر شتاب می‌کردند و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند و بر ما خاشع بودند! (۸۹ - ۹۰)

و یاد کن آن زن (مریم) را که دامنش را پاک نگاهداشت. و ما از روح خویش بر وی دمیدیم و او و فرزندش را بر جهانیان آیتی قرار دادیم. (۹۱)

همانا این دین شما دین واحدی است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید! آنها (یهود و نصاری) در کار دینشان اختلاف کردند و بازگشت همه به سوی ما خواهد بود! آن کس که کارهای نیکو کند و مؤمن باشد کوشش او ضایع نگردد و ما آن را برایش می‌نویسیم. (۹۲ - ۹۴)

بر مرددم شهری که فنا کردیم حرام است که به زندگی باز آیند. تا وقتی که راه یاجوج و ماجوج گشوده شود و آنها از هر بلندی به شتاب فراز آیند. آن گاه وعده حق (قیامت) نزدیک شود. پس ناگهان چشم‌های کافران خیره گردد (و فریاد برآورند) ای‌وای بر ما. که بی‌گمان از این امر در غفلت و بلکه ستمگاران بودیم! (به آنان گفته شود) همانا شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستیدید جملگی هیمة دوزخ باشید و بدان درمی‌آئید! اگر آنها (که عبادت می‌کردید) خدایان بودند هرگز بدان‌جا در نمی‌آمدند و اینک همگی در آن جاویدان بمانند! آنان را در آن دوزخ ناله زاری باشد و در آنجا سخنی نشنوند! (۹۵ - ۱۰۰)

بی‌گمان کسانی که از جانب ما در حق آنها قلم بر نکوئی رفته است از آن دوزخ برکنار خواهند بود. آنها هرگز زمزمه آن را نشنوند و آنچه در دل‌هایشان بخواد تا ابد بمانند. و هرگز وحشت بزرگ قیامت آنها را غمگین نسازد. و فرشتگان آنان را دیدار کنند و گویند این است روزی که به شما وعده داده شده بود! (۱۰۱ - ۱۰۳)

روزی آسمان را در هم پیچیم همانند در هم پیچیدن طومار نوشته‌ها. و آن را بدان سان که در اول خلقت آغاز کردیم باز می‌گردانیم. این وعده بر ما است و آن را به انجام رسانیم! (۱۰۴)

و بعد از ذکر در زبور<sup>۲</sup> نوشتیم که بندگان نیکوکار من وارث زمین خواهند شد. همانا آنچه خبر دادیم ابلاغی است بر خداپرستان. ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم! بگو همانا بر من وحی می‌شود که خدای شما خدای واحد است پس آیا شما بر این امر گردن می‌نهدید؟! اگر روی برگرداندند بگو من شما را یکسان خبر کردم و نمی‌دانم آنچه به شما وعده داده شده (قیامت) نزدیک است یا دور! خدا گفتار آشکار را می‌داند و هم بر آنچه پنهان دارید دانا است. چه می‌دانم شاید تأخیر در آن برای آزمایش شما است که تا مدتی برخوردار شوید! (۱۰۵ - ۱۱۱)

بگو پروردگار! بین ما به حق داوری کن. و پروردگار ما بخشنده‌ای است که از او

بر آن چه (شما به دروغ) بگوئید یاری می‌خواهم! (۱۱۲)

---

۱. در مورد این آیه و پیچیدن طومار کائنات به مقدمه مراجعه فرمائید.  
۲. مفسران گویند مراد از "ذکر" لوح محفوظ و منظور از "زبور" همه کتب آسمانی می‌باشد.